ماهنامه
مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

تیر ماه ۱۳۴۴ — دورهٔ ششم شماره‌چهارم

استوار باد وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران - حزب توده ایران

پنجسال از وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران میگذرد

از کنفرانس وحدت که در تاریخ ۱۰-۱۱ مرداد ۱۳۳۹ با شرکت اعضاء پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران و پلنوم کمیته مرکزی فرقهٔ دموکرات آذربایجان تشکیل شد پنجسال میگذرد.

همانطوریکه در مقدمهٔ برنامهٔ حزب توده ایران مصوب کنفرانس وحدت ذکر شده است، در سالهای جنگ جهانی و پس از آن جنبش رهائی بخش ملی و دموکراتیک مردم ایران نیرو و دامنهٔ عظیم یافت. حزب توده ایران در سال ۱۳۲۰ تشکیل گردید و بر رأس جنبش وسیع مردم ایران قرار گرفت. در سالهای ۲۵ - ۱۳۲۴ جنبش ملی و دموکراتیک در آذربایجان و کردستان دامنهٔ وسیعی یافت و در این مناطق حزب دموکرات آذربایجان و حزب دموکرات کردستان بوجود آمدند و مبارزه قهرمانانه ای برای مصالح خلق دست زدند.

در این جملات کوتاه اشارهٔ بتشکیل حزب توده ایران و فرقهٔ دموکرات آذربایجان ذکر شده، در این حال رابطهٔ نزدیکی که میان تشکیل حزب توده ایران و جنبش رهائی بخش ملی و دموکراتیک همه خلقهای ایران از طرفی و رابطهٔ نزدیکی که بین تشکیل فرقهٔ دموکرات آذربایجان و فرقهٔ دموکرات کردستان با جنبش ملی و دموکراتیک خلقهای آذربایجان و کردستان وجود دارد تصریح گردیده است. مطالب بر مناسبت بیست که انگیزهای عمدهٔ این جنبش ولو بطور اختصار بیه آوری شود.

در اثر شکست آلمان هیتلری و ژاپن امپریالیستی و پیروزی اتحاد شوروی در جنگ دوم جهانی همراه با فعالیت سازمانهای دمکراتیک و بویژه حزب توده ایران، جنبش دموکراتیک در سراسر ایران بسط و توسعه بیشتری یافت. در همین حال مداخلهٔ امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی در امور داخلی ایران شدت یافت. تزور رئیس ارتش ارتشبد رزم‌آرا، هجوم صنعت سلاح خلقها و فئودالها بخانهٔ ملی دهقانی، اعتصابهای کارگری و سازمانهای حزب توده ایران سراسر ایران را فراگرفت. هجوم ارتجاع در آذربایجان شدت خاصی کسب کرد. همه میدانند که ایران کشوری است کثیرالملله و مردم آذربایجان خصوصیات ملی و زبان خاصی دارند و هیئت حاکمه در ارتجاع ایران حتی وجود ملت آذربایجان و دیگر خلقهای ایران و ذات این خلقها را نفی میکند. در زمان دیکتاتوری رضا شاه که ترویج افکار شوینیستی اوج گرفته بود بکار بردن زبان فارسی در ادارات دولتی و در محاکم اجباری گشت بدین ترتیب خلق آذربایجان، مانند سایر خلقهای غیر فارسی زبان ایران از ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک یعنی حق استفاده از زبان مادری محروم بود. ستم ملی در آذربایجان و کردستان بمسئله زبان محدود نمیشود. از لحاظ رشد اقتصادی نیز آذربایجان در مقایسه با استانهای تهران، مازندران، اصفهان و غیره در وضع نابرابر قرار داشت. آذربایجان که یکی از ایالات های شکوفان ایران بود در سالهای دیکتاتوری رضا شاه چه از لحاظ اقتصادی و چه از حیث عمران و آبادی رو بانحطاط رفت. در نتیجه چنین سیاست تبعیض‌آمیزی که هم آگاهی نیز ادامه دارد نابرابر فرغیر آذربایجان بیکی از عقب مانده ترین استانهای ایران تبدیل شده است. مهاجرت اجباری هزاران کارگر و دهقان

بقیه در صفحه ٤

سفر شاه به اتحاد شوروی

در تیر ماه شاه برای مدت ده روز بهه اتحاد شوروی سفر کرد. سفر شاه به اتحاد شوروی در زمینه کوشش که برای بهبود مناسبات ایران و شوروی انجام میگیرد و بهمین جهت مورد توجه خاص مؤمنان و مخالفان بهبود روابط ایران و شوروی قرار گرفته است. موافقان در انتظار و طلاقمندند که این سفر به بهبود واقعی مناسبات ایران - و شوروی و به تعمیق آن در عمل منجر گردد. مخالفان دعوت دولت شوروی را از شاه «محکوم» میکنند و معتقد بسایند خوشحال شوند اگر این سفر و اقدامهای نظیر آن به بهبود مناسبات ایران و شوروی کمک نکند.

مناسبات ایران و شوروی یکی از مسائل مورد بحث در محافل اجتماعی ایران است. بهبود این مناسبات از هر جانب مورد انتقاد قرار میگیرد. از یک سو عناصری در بین نیروهای ملی هستند که میگویند چون رژیم شاه ضد ملی و ضد دموکراتیک است و بهبود مناسبات ایران و شوروی، هم کمک به تحکیم رژیم شاه است، بنابر این باید با آن مخالفت کرد. ما نیز این تفسیر کوته قصد تحلیل اقتصادی این مسئله را، ندارنیم. در گذشته بتفصیل نظریات ما در این زمینه در روزنامه مردم و مجله دنیا تشریح گردیده و در شمارهٔ اول سال ششم مجله دنیا نیز باز دیگر بتفصیل مورد بحث شده است.

با تأکید این نکته لازم است که اساس اتخاذ این مناسبات از آنجا ناشی میشود که اولا روابط دولتی را، که برنامهٔ هجومی مبالغت آمیز تظاهرهای اجتماعی گردانگرد قرار دارد - با مبارزه طبقاتی در داخل کشور پیشگی میگیرند. ثانیا خود شخصی سیاست هجومی مبالغت آمیز و بازهم ترک نمیکند. دیرو های دموکراتیک و مترقی میدهند که هم مصالح عالیه ملت ایران و هم معتقدهای اردوگاه صلح و دمکراسی را، که با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند، در نظر میگیرند، معتقدند که بهبود مناسبات ایران با اتحاد شوروی و همه کشورهای سوسیالیستی بمعنی تخفیف جنگ سرد و حفظ صلح در منطقه پرآشوب خاورمیانه و تضعیف پیشگیرانه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی امپریالیسم در ایران است. اگر قبول است که عدم تعادل فاحش در بازرگانی خارجی ایران در نتیجه سیاست امپریالیستی، و هرهای باز، بوجود آمده و موجب فلوت منابع ارزی ما، تعطیل صنایع ملی، رکود صادرات، و ورشکستگی تولید کشاورزی و بازرگانی است، بیکاری کارگران و پیشه‌اهای دهقانان گردیده است، در آن صورت بسط روابط بازرگانی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، که قبل از هر چیز موجب رونق صادرات میشود، بایدمورد پشتیبانی هر دو بین‌پرست ایرانی قرار گیرد. اگر صحیح است که امپریالیستها بیشتر

بقیه در صفحه ۲

برنامه های اقتصادی ایران در چه شرایطی کامیاب خواهند شد؟

هفده سال است که چرخهای اقتصاد ایران بلاصطلاح بر محور برنامه میگردد. حلا پس از هفده سال تجربه تلخ، دیگر کسی نیست که از سرنوشت این برنامه ها و نتایج آنهمه هیاهو در پیرامون این برنامه ها آگاه نباشد. پیشرفت اقتصادی در طی سال های اخیر و کاهش آهنگ رشد تا ۲.۳ در صد فرسال اشکال واپسین دو هائی بخصوص نخستین دوران برنامه ریزی ایران بود. مستقل بودن برنامه ها، سود استفاده مقدمات و سازمانها، فوق آمار واقعی و غیره عواملی هستند که مسبوعلاقا شکست برنامه های ایران شناخته شده اند. اگر چه این عوامل در شکست برنامه های ایران تأثیر کامل ملاحظه ای داشته اند ولی جستجوی علل عمده شکست برنامه ها در این قبیل عوامل اشتباه بوده و چنین تصوری بوجود میآورد که گویا با بر طرف ساختن این نقائص میتوان برنامه هائی مستقل و علمی در ایران تنظیم نموده و بمرحله اجرا گذارد. و حال آنکه ماهیت رژیم موجود و سیاست اقتصادی آن طوریست که برنامه ریزی علمی و اجرائی آنرا در ایران غیر ممکن میسازد.

پیش از آنکه به تحلیل علل واقعیات عمده شکست برنامه ها بپردازیم تذکر و توضیح چند نکته ضروری است. رشد اقتصادی مبدئی بر برنامه و از مفهوم نخستین دوران برنامه ریزی ضروریست. رشد اقتصادی زمانی طبق برنامه انجام میگیرد که آهنگ رشد اقتصاد کشور و نیز تناسبات ضروری میان بخشها و رشته های تولیدی موافق هدفهای معین اجتماعی قبلا بمعنای علمی کلمه پیش بینی شده باشد. برنامه ریزی عبارت است از تعیین آگاهانه و علمی این تناسبات و آهنگها برای مدت معین از رشد اقتصاد ملی درمیانی تمام کشور. لذا میان برنامه‌ریزی بمعنای علمی آن و تنظیم پروژه عالی بمنظور ساختمان چند واحد صنعتی کشاورزی وقتی و پیش‌بینی سرمایه‌های ضروری برای آن باید تفاوت قائل شد. بعلاوه تنظیم

بقیه در صفحه ۵

برخی جوانب و عواقب وابستگی نظامی و سیاسی ایران به بلوک بندی نظامی تجاوزکار امپریالیستی

امپریالیستها بویژه امپریالیستهای آمریکا تسلط خود را بر شئون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی میهن ما بوسیله دو اهرم اساسی حفظ میکنند: ۱ - قبضه کردن منابع عظیم نفت در دست خود و ۲ - نگاهداشتن ایران در سیستم بلوک بندی نظامی تجاوزکارانه خود. شاه که هیچگونه پایگاه وسیع مطمئنی در جامعه ما ندارد از همان نخستین روز های پس از کودتای خائنانه ۲۸ مرداد با دزدک تقبه اربابان امپریالیستی در این زمینه و با توجه باین امر که آنها فقط در صورت تصرف این دو موضع عناصر حفظ تاج و تخت از دژبال جنبش مردم شوانند بود داوطلبانه باستقبال آنان شتافت و با تمام قوا باجرای این نقشه کمک کرد.

۱۳ ماه پس از کودتا در روز ۲۸ شهریور ۱۳۳۳ متن نهائی قرارداد غارتگرانه با کنسرسیوم نفت توسط علی امینی، وزیر دارائی کابینه زاهدی بامضاء رسید و ثروت عظیم نفت ملی به انحصارات نفتی تسلیم شد.

همزمان با امضای این قرارداد تدارک برای کشاندن ایران به سیستم بلوک های تجاوزکار نظامی امپریالیستی آغاز شد. شرکت ایران در پیمان بغداد نخستین گام اساسی در این راه بود.

چرا و چگونه ایران وارد پیمان بغداد شد

بطوریکه میدانیم رژیم شاه پس از

(بقیه این مقاله را در پاورقی صفحات بعد میخوانید)

مسئله آلمان - یک مسئله غامض بین المللی

دولت ایران باید جمهوری دموکراتیک آلمان را برسمیت بشناسد

مسئله آلمان مسئله یکی از غامض ترین مسائل بین المللی است و تا وقتیکه این مسئله بطور نهائی حل نشود، در قلب اروپا آتشفشان خطرناکی وجود خواهد داشت که جهان را در قبضه نگران نگاه میدارد. مسئله آلمان از هر قبضه نگران است. نه تنها صلح اروپا، بلکه صلح جهانی را مورد مخاطره جدی قرار دهد.

فاشیسم آلمانی در جریان جنگ دوم جهانی بیش از پانصد میلیون نفوس بشری را بخاک و خون کشید، ده‌ها کشور و هزارها شهر ویرانه را ویران کرد. ویرانی جنگ که فاشیسم آلمان آغاز کرده بود، کشور آلمان بویژه خود صدمات مهلک دید. بزرگترین مراکز تمدن و صنعت این کشور نابود شد. میلیونها مرد، زن و کودک آلمانی در جریان جنگ قربانی سیاست آلمان و در جنگ جهانی دوم، سرنوشت فاشیسم آلمان و سرنوشت کشور آلمان بطور کلی صورت دیگر داشت. در این بخش نه فاشیسم آلمان آغاز کرده بود، بلکه دو کشور همکاران و متحدان امپریالیستی، انگلیس و آمریکا، در جریان جنگ، آلمان را بتصرف درآوردند و تقسیم کردند. اختلاف درون خاندان و یا ایجاد جمهوری فدرال آلمان همان سیاست قدیم را با تشکیل دادن شمار هائی تازه ای ادامه دادند.

بقیه در صفحه ٦

مطالب دیگر این شماره:
رویداد ها و تفسیر ها ... صفحه ۸
اخباری از ایران ... صفحه ۲
تقویم مردم ... صفحه ۸

اخباری از ایران

۱ - شهریور ماه سال ۱۳۲۳ هوالی خانواده فرهمند ماه پرمصیبت بود: پدر خانواده، حاج میرزا حسین فرهمند کلیشروی تازه فوت شده بود. روز یکشنبه هشتم شهریور سازمان امنیت جنازه جوان این خانواده را از زندانی تحویل آنان داد. وی را بروی تابوت فرهمند نام داشت. پرویز فرهمند پس از کودتای ۲۸ مرداد با یک دوست خود به شوروی رفته بود و در آنجا تحصیل کرد. از جواج نمود. خانواده‌ای تشکیل داد. پس از پایان تحصیل با کفرنامه‌ای که ازسازمان ایران گرفته بود بایران بازگشت ولی مأمورین سازمان امنیت در فراهی مرزی او را بازداشت کردند روز هشتم شهریور ماه فرهمند به شعبه شکنجه طولانی ومرحلی درگذشت و هشتم جنازه اش را تحویل دادند. جنازه فرهمند از لحاظ سعادت مرحلی که دیده بود قابل ضدالدین نبود ودلیون این ترانیم ماه شهر دهم شهریور خانواده فرهمند خواستند در روزنامه کیهان مجلس ترحیم او را اعلام کنند. سازمان امنیت اعلام شد تا پس از گرفتن تعهدات مبین آنچه دانستند روز ۱۸ مهر در مستدرک از هشت تا ده بعد از ظهر مجلس یاد بود او برگزار کرد. اعلان مجلس ترحیم سرانجام در روزنامه کیهان شماره ۶۲۲۸ درج گردید. از خانواده فرهمند تعهد گرفته شد که در پنجره کیفیت مرگ فرزندش سخنی نگویند. روزنامه‌نگاری که در مجلس ترحیم ایراد نطق نمود ازطرف سازمان امنیت جریان شده بود.

۲ - در فروردین ماه ۱۳۴۴ بعد آرامش (شرح نواهر جنبش شهر امنی رئیس مجلس سنا) انقلابیه ای داد که در آن جنبشها و جنایتهای رژیم استبدادی دیگر را بیان ومنبورد استقرار جمهوری درایران گردید. آرامش در عین حال نامه سرگشاده‌ای درپیست صفحه بخطاب بدخشی رئیس جمهوری امریکا نگاشت که آرامش پدرسش درانقلابیه عود پیش بینی کرد مأمورین غلاظ و شداد سازمان امنیت او را با باد ماشین کردند و آنگونه در زندان قصر زندانی گردید. پس از زندانی شدن بعد آرامش، کمیته جنبش‌خواهان، مأمورانه او نیز انقلابیه‌ای مانند انقلابیه آرامش منتشر ساختند. برخی از روزنامه های وابسته بدرایم در انجمنه روزنامه «مهر ایران» مأمور بدمکوبی و مشتم دادن به آرامش شدند.

۳ - آقای شیخ مصطفی رهنما از روحانیون مترقی است که جزوات و مقالات چندی با افکار پاک وآزادیخواهانه نگاشته است. شیخ مصطفی رهنما از اردیبهشت ماه سال جاری اعلامیه‌های راجع به فلسطین چاپ کرده و در آن بشداد و سیاست او در مورد بیت‌المقدس و اعراب‌ها حمله کرده. شیخ مصطفی رهنما توقیف شد و ایشان در بازداشتگاه قرار گفته است و در محاکم در بسته محاکمه میشود. بخانواده شیخ حق ملاقات باوی را نداده اند.

۴ - دکتر بیا «همان کسی که پس از کودتا در دوران نخست وزیری سپهبد زاهدی سخنرانی پرسرو صدا کردن صنایع نفت قاطعه بود. اکنون معاون دادستانی عالی است. دکتر بیا دانشمند را به لانه سازمان امنیت نزدیک کرده است و امنداد آن دادستانی را که از تعالی بشد و توشیف «انقلاب شاهانه» در سر گلاهش خودداری ورزند بسازمان امنیت معرفی میشاید. استادان و دانشوران که مزد استاد دکتر بیا قرار میگیرند غالباً مورد توجه و علاقه تا ما دانشجویان. دانشگاه و دانشسرا به برکت وجود ایامی سیاسی فریاد و سازمان امنیت از قبیل صالحیها

بقیه از صفحه ۲

سفر شاه به اتحاد شوروی

در چهل سال است که با اتحاد کارخانه نوب‌آهن در ایران مخالفت نموده‌اند. از قبول پیشنهاد اتحاد شوروی برای ایجاد این کارخانه و همچنین سایر کمکهای فنی برای صنعتی کردن ایران تردیدی نباید کرد. اگر درست است که امپریالیستها با تمام قوا میکوشند که ایران را همچنان در تاخیر بدوی های اسارت‌آور نظامی نگهدارند، آنوقت هرگونه کوشش که درجهت خروج ایران ازاین بیماری و یا حتی سست کردن آنها انجام گیرد باید مورد تأیید میهن‌پرستان ایرانی باشد.

پیوند سیاسیات ایران با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی را بباید نتیجه مبارزات طولانی ملت ایران، تغییر تناسب نیرو ها در صحنه جهانی بنفع صلح، دمکراسی و سوسیالیسم دانست و آنرا عقب نشینی رژیم تلقی کرد. اینکه برای جلوگیری از بهبود مناسبات، نیرو

هلی امپریالیستی و ارتجاعی با تمام قوا تلاش کرده و میکنند، اینکه زمامداران رژیم کنونی نیز آنچه که بتوانند برای زمینه اختلال میکنند و اگر امروز کوشش بیشتر بعمل خود نشانه دیگری از صحت و اثربخشی سفر رژیم به بهبود مناسبات ایران و شوروی است. فرصت بهمین جهت است که باید این مبارزه را تشدید کرد و توسعه داد. زیرا که هر گام جدی در راه بهبود مناسبات ایران با کشور های سوسیالیستی ضربه ای است به اینگونه‌ای امپریالیسم در ایران و رژیم وابسته به آن.

شایان توجه است که در اعلامیه منتشره از جانب ایران و شوروی برخی نکات حواشی ذکر شده است که با خواستها و مصالح ملت ایران تطبیق میکند. از جمله میتوان از قبول اصل همزیستی مسالمت‌آمیز بعنوان پایه‌مناسبات بین‌المللی گوناگون اجتماعی، ضرورت تقویت سازمان ملل‌متحد، کوشش در راه منع آزمایش اتمی، لزوم حل مسائل مورد اختلاف از راههای مسالمت آمیز، کوشش برای بسط

بقیه در صفحه ۳

کودتای ۲۸ مرداد باصطلاح «ناسیونالیسم مثبت» را اصل اساسی سیاست خارجی خود اعلام کرد. ولی علیرغم دعاوی شاه و تفسیرهای کاذبانه او از «ناسیونالیسم مثبت» به معنوی واقعی این اصل کشائی سیاست خارجی او عبارت بود از تبعیت کورکورانه از امپریالیسم امریکا و انگلیس، جلب سرمایه های خارجی بکشور و راضیه آنی کمونیسم برای مقابله با نظریات کلیه نیروهای ملی و مترقی ایران.

امپریالیستهای امریکا و انگلیس مدتها قبل از کودتای ۲۸ مرداد درصدد بودند با علم کردن لوای «خطر تجاوز کمونیستی» از این کشور همسایه و کم، عراق با پاکستان و ایران بلوک نظامی جدیدی در خاور میانه تشکیل بدهند و این حلقه بر گرد - بلوک ناتو و با دیپلمه بندی نظامی بزرگری درجنوب خاوری آسیا متصل کنند و بدینطریق زنجیر های نظامی نظامی تجاوزکار خود را علیه کشورهای اردو گاه سوسیالیستی بوجود آورند. وجود دولت ملی مصدق در ایران مانع انجام این نقشه بود و کودتای ضد ملی ۲۸ مرداد زمینه را برای آنان آماده ساخت.

روز ۲۰ اسفند ۱۳۳۳ میان دکتر مظفر بقائی و نزدیک بیک میلیون تهرانی اعتصاب اعلام شد و به پیمان بغداد موسوم گردید. در خرداد ۱۳۳۴ انگلستان و در شهریور همان سال پاکستان الحاق خود را باین پیمان اعلام کرد.

کابینه زاهدی در فروردین ۱۳۳۴ جای خود را بکابینه علاء داد و این هنگامی بود که مردم ایران از تخمیم رژیم شاه بشرکت در پیمان تجاوزکار بغداد مطلع شده بودند و بر آشفتگی و نفرتهای مختلف جامعه باوج خود رسیده بود. در داخل ارتش ایران نیز جنبش میهن پرستانه وسیعی علیه تصمیم به نقض سیاست بیطرفی و شرکت در بلوک بندی تجاوزکارانه امپریالیستی پدید شده بود. وجود این جنبش نارضایتی در داخل ارتش مانع مرغ بزرگی برای جلب ایران به پیمان بغداد بود. بهمین جهت رژیم شاه با شرکت مستقیم دستاران نظامی امریکا، به تصفیه، دامنه داری در تمام واحد های ارتش و شهربانی و ژاندارمری پرداخت. بیش از ۶۰۰ افسر وطن پرست و فرمانده را بزندان افکاندند و بیش از ۳۰۰ تن از مترقی‌ترین و رشیدترین افسران ایران تیرباران شدند. بدینطریق محیط ترور و وحشت مرکبار در ارتش و واحد های انتظامی برقرار گردید.

از بی این عمل کلیه احزاب و سازمانهای ملی و مترقی کشور تحت تعقیب پلیسی شدید قرار گرفتند. رژیم شاه با سرکوب وحشیانه نیروهای ملی و میهن پرست علیرغم اراده فاطیه مردم صلحدوست ایران زمینه را برای گشادن میهن ما به پیمان تجاوزکارانه بغداد فراهم ساخت.

روز ۱۹ مهر ۱۳۳۴ حسین علاء تصمیم دولت را بالحاق به پیمان بغداد اعلام کرد. در این تاریخ شرکت رسمی ایران در بلوک بندیهای نظامی امپریالیستی آغاز شد. با آنکه امریکا بطور رسمی عضویت خود را در این پیمان تأیید نکرد ولی علاء - هم درتشکیل آن و هم در کلیه فعالیت های آن از همان آغاز نقش درجه اول داشته است. علت امتناع امریکا از اعلام رسمی شرکت خود در این پیمان، سوء شهرت پیمان بغداد در کشور های عربی و آمریکا هنوز بود که امپریالیسم امریکا هیچ نقشه تازه ندارد و شاستی لحظه از امپریالیسم انگلیس داشته و دارد.

اعلامیه عراق امید های رژیم شاه را در مورد پیمان بغداد به یأس بدل کرد

پیمان سنتو

با آنکه پایان اصلی پیمان بغداد از یکسو و رژیم شاه بیعیت از آنان از سوی دیگر برای توجیه شرکت در این پیمان تجاوزکار بوجود باصطلاح «خطر تجاوز کمونیستی» و بخصوص بخطر موهوم تجاوز از جانب همسایه بزرگ صلحدوست اتحاد شوروی استناد میکردند و این پیمان را سدی برای جلوگیری از «تجاوز شوروی» و «سیری برای حفظ استقلال» کشور های عضو وانمود میساختند ولی هر یک از آنها در باطن نیات درگیری را تعقیب میکرد. امپریالیسم امریکا و انگلیس با استفاده از وحشت رژیم شاه از جنبش نیروهای ملی و مترقی کشور علاوه بر مقاصد دیگری که در زمینه اقتصادی داشتند میکوشیدند ایران را به پایگاه تجاوز علیه کشور های اردوگاه سوسیالیستی بدل کنند. رژیم شاهم صرفنظر از مقاصد، گرچه باین پیمان واهی دل خوش کرده بود که گویا وجود پیمانهائی نظیر پیمان بغداد رژیم متزلزل او را دربرابر اموج جنبش نیروهای ملی و مترقی محفوظ خواهد داشت. ولی این اعتماد بروزی به یأس مبدل شد. انقلاب ژوئیه سال ۱۹۵۸ عراق نشان داد که شرکت در پیمان بغداد هم نمیتوان برای حفظ یک رژیم ضد ملی بوجود نیاورد.

عراق پس از انقلاب در ۲۴ مارس ۱۹۵۹ رسماً از پیمان بغداد خارج شد و با خروج آنکشور دیرشاه پیمان که تا آنزمان در بغداد بود بانکارا منتقل گردید و پیمان نیز از آن پس پیمان سنتو یعنی «سازمان پیمان

بقیه از صفحه ۲

سفر شاه به اتحاد شوروی

مبارزه ایرانیان خود برمند رژیم شاه فکنده‌اند . اتفاقاً ایران دیگری که از سوی دیگر وارد میشود درهمین زمینه است . واشینگتن بمحافل حاکمه ایران در این اواخر مرکباً فشاد . و تهدانس میکنند که این به هیچ‌صورتی مسالمت آمیزی نیست ! این چگونه کوشش در راه بلعیدن ایران با کشور های سوسیالیستی است که مثلا رادیوی پیک ایران فاتحاً بزرگیم کنولی ایران حمله میکند ! این آقایان هم نمیفهمند و یا نمیخواهند بفهمند که نیرو هنی ملی و دمکراتیک ایران بزرگیم کنولی ایرانرا و رژیمی ضد ملی و ضد دمکراتیک میشناسند و مبارزه خود را برمند این رژیم تاشطرواز یك حکومت ملی ودمکراتیك ادامه خواهند داد . این آقایان باید بدانند که مبارزه نیرو های دمکراتیك برای بهبود و بسط روابط ایران با کشور های سوسیالیستی جزئی از مبارزه عمومی آنها در راه خودمختاری ودمکراتیك‌مردم ایران است . وآنها در این مبارزه ضعیفیت رژیم شاه‌را ازیاد میبرند و مقدس‌ملی خودرا . بهمین جهت بود که ایرانیان مقیم کشورهای سوسیالیستی حتی‌ازفرست مسافرت شاه بمحافل شوروی هم استفاده کردند و خودشان‌هم دمکراتیك خود راکه انعکاس واقعی تمایلات ملت ایران است بگوش محافل حاکمه ایران وهمچنین مقدمات‌رسمی اتحادشوروی رساندند. ایرانیان‌مقیم اتحادشوروی (ازجمله درکرایجان شوروی بمناسبت‌ده ، آمرارفروهمچنین درمسکو،لنینگراد،بالتیمور، روماش ، مولرسان، سوکولوگوسک ، جمهوری دمکراتیك‌آذربایجان‌ملی‌باشگرانهای‌کشورسوسیالیست‌ایران، به شاه ، نخست وزیر ، رئیس مجلس شورایملی و رئیس مجلس سنا مخابره کردند و رونوشت آنرا برای اقتصادی‌سوسیوال ، عضو شورایعالی اتحاد شوروی والکسی کاسیگین رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی ارسال داشتند . این مخابرات مطرح کردند . لکات اصلی بلگرانها بقرار زیر است :

مردم ایران در بند یك رژیم ضد مردم دمکراتیك و ضد کشنده هرگونه آزادی رنج میبرند . سازمان امنیت تسلط جهنمی خودرا برهمه شئون زندگی برقرار کرده است . صدها تن زندانی در زندانهای ایران بجرم داشتن عقایدی مخالف عقاید دولت میباشند . شیوه وحشیانه شکنجه های درون وحشتناکی کماکان ادامه میکند . افراد را بتهام عقاید سیاسی آنها دستگیر و تلی بلند و اعدام میکنند .

بقیه از صفحه ۶

پنجسال از وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران میگذرد

آذربایجانی که در جنوبی ایران نامه نلی به تهران و نقاط دیگر ایران رو میآوردند پدیده تصادفی نیست . همهٔ این اوضاع و احوال مردم آذربایجان را بستوه آورده موجبات یك جنبش وسیع و مقاومت جدی را فراهم ساخته بود . در چنین وضعی است که فرقهٔ دمکوکرات آذربایجان که دریاس آن شاهروان میرجعفر پیشه‌وری قرار داشت با برنامه ای که خواستهای آزاد مردم آذربایجان را منعکس میساخت تشکیل شد . هدفش آن بود که در چارچوب کشور ایران و با مراعات اکید تمامیت ارضی میهن واحد ، حقوق ملت ملی آذربایجان را تأمین نماید و به مبارزه حق طلبانه علیه دیگر ایران کمك کند . قابل توجه است که اگر چه طبقاتی خود توده ایران صریح بود اینه طبقاتی فرقه دمکوکرات آذربایجان صراحتی نداشت و در صفوف آن عناصر آزادیخواه و دمکراتی همه قشرها و طبقات مردم آذربایجان متشکل شدند و فرقه دمکوکرات آذربایجان در مدت کوتاهی به فرقهٔ توده ای وسیعی تبدیل شد مطالبات فریدنی کسه که تلقی پیشی و فرقه دمو کرات آذربایجان فرصت طبقهٔ کارگر بود .

متشدد طبقهٔ کارگر میکوشند ایجاد اختلاف

هواران نفر ایرانی بمنفعت عقاید سیاسی خود و صرفاً بمناسبت عدم موافقت باسیاست دولت ونبودن آزادیهای فردی و اجتماعی ومراعات نشدن اصول قانون اساسی در کشور ما مجبور به جلای وطن شده‌اند .

در روز های اخیر طبق خبر جهانیه دادگاه غیر قانونی بلاد بر چهار تن دیگر از هموطنان ما در ایران تبرئه شدند . اگر این افراد در دادگاه واقعی و قانونی مورد دادرسی قرارمیگرفتند مسلماً محکوم دادگاه بعد این بود . این اعتراف‌ها چزء آن سلسله اعترافات جاهلانه ایست که رژیم موجود ایران برای موجب ساختن مردم و جلوگیری از فعالیت سیاسی آنان میکند . هم اکنون چنان عده دیگری از زندانیان سیاسی که در ماههای اخیر توقیف شده‌اند در خطر است . ما باین تاخت و تاز های خلاف قانون و غیر قانونی مقدمات حاکمه ایران بسختی اعتراض میکنیم . ما از مقدمات حاکمه ایران میخواهیم که :

الف - زندانیان سیاسی آزاد شوند .

ب - بشیوه ترور و تسلط سازمان امنیت و محاکمه در پس در های بسته دادگاههای نظامی خاتمه داده شود و این سازمان جهنمی منحل گردد .

بقیه در صفحه ۶

کارگری‌دمکراتیك را مسلول فعالیت و تبلیغات شخاص معنوی‌اعدام کنند . براساس چنین‌فکرسطحی‌است که همهٔ مرتجعین از هیچگونه جنایتی برای نابود کردن عناصر مترقی و فعالین حزب طبقه کارگرایران فرو گذارنمیکنند ولی اگر چنین نظری صحت میداشت نه از حزب توده ایران که مدتها قبل از بهترین فرزندانش بدست دژخیمان شاه اعدام شده اند اثری میماند نه از فرقه دمکوکرات آذربایجان که بیش از ۱۰۰۰۰ نفر از فعالین و اعضای آن در اثر یورش وحشیانه ارتجاع ایران کشته شده اند . بلکه ایران حالی رنج پوزش های ارتجاع شکنجی از بیوند عیق آنها با تهضت خلق است .

باید متذکر بود که اگر به حل مسئله ملی در ایران بصراحت در برنامهٔ حزب تحت‌نین کنیم‌حزب توده ایران ذکر نشده بود مطالبات حزب ما در عمل همیشه از خودمختاری وحق و علاقانهٔ ملت‌ها دفاع میکرد از آنجمله خلقهای آذربایجان و کردستان دربارهٔ رفع ستم ملی پشتیبانی کرده است . حزب ما همیشه برای جلبش خلق آذربایجان اهمیت شایانی قائل بوده است . حزب ازناحیت‌روزنامهایش این‌جنبش آنرا مورد‌پشتیبانی قرار داده . در جوان این جنبش است که در قسمتی از خاك ایران خلق توانسته بود قدرت را بدست گیرد ، بلافاصله‌ارتش‌پرداخت ۲۱ نفر دمکوکرات را استفاده از حقوق و بیمه های اجتماعی را برای کارگران‌وضع کند . در راه تحقق تبلیغات ایدئالی و اجباری کنیم های مؤثری برداره‌ و دشمنگهی تشکیل کند . درآبادان و عمران شهر هاالقدامات‌جدی بعمل آورد . این پیروزی ها نه تنها مورد پشتیبانی طبقه کارگر و حزب آن بود بلکه‌توجه‌کلیه طبقات های آذربایجان و دمو کراتیك ایران را بخود جلب نمود ، بیجهت نیست که در اثر توفیق جنبش در آذربایجان علاوه بر طبقه کارگر ایران عرضه بورژوازی شهری و قسمتی از بورژوازی ملی ، مردم آذربایجان و کردستان از مقدمهٔ انقلاب ملی و دمو کراتیك در سراسر ایران حمایت میکردند و بیش از پیش بحزب توده ایران که پیشرفتگ پس از تشکیل فرقه دمو کرات آذربایجان و اعلام برنامه آن بتا عدم آنها از آن پشتیبانی کرده بود گرویدند . اتلاف حزب

بقیه از صفحه ۴

ایران و چند حزب دیگر با حزب توده ایران نشانهٔ بارز این گرایش است .

حزب توده ایران و اعضای آن نه تنها در زمان اوج نهضت دمو کراتیك آذربایجان و کردستان بلکه پس از هجوم ارتجاع که بمعنیه امپریالیستهای امریکا و انگلیس انجام گرفت در مطبوعات خود مرتجعینگها در دادگاهها ، زندانها ، و حتی در پای چوبه اعدام از عوامفریبی ملاقاتیه مردم آذربایجان و کردستان‌پشتیبانی کردند .

حزب توده ایران از کمك برادرانه بفرقه دمو کرات آذربایجان و فرقه دمو کرات کردستان و دوران فعالیت مخفی خویش نیز کوتاهی نکرده و همه های مخفی فرقه دمو کرات آذربایجان و فرقه دمو کرات کردستان کمك کرد تا دامنهٔ فعالیت خود را توسعه بخشند و روزنامه های ارگانهای خود را منتشر کنند . این واقعیتی است که در سراسر دوران فعالیت مخفی حزب ما کوچکترین اختلافی بین اعضای حزب توده ایران و اعضای فرقه دمو کرات آذربایجان و اعضای فرقه دمو کرات کردستان درمبارزه علیه دشمن‌مشترك بروز نکرد . همه آنها با یکدیگر از خط مشی واحد برادرانه دوش بدوش هم مبارزه کردند . بدین ترتیب میتوان گفت اگر چه تا ۳ سال پیش وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر صورت رسمی نیافته بود ولی در عمل همانجنگی بین این سازمانها بوجود آمده بود .

طبقه کارگر و همه مردم مترقی ایران در راه ایجاد ایرانی مستقل ، آزاد و آباد در شرایط بسیار دشواری مبارزه میکنند . هیئت حاکمه و شاه چوار که در رأس آن قرار دارد برای اعمال فشار دستگاه نیرومندی‌وجود آورده است . ارتش ، پلیس ، ژاندارمری ، محاکم فرمایشی غیرقانونی نظامی ، تبعید ، زندان ، اعدام و کشتار های جمعی وسائل است که امپریالیستها وارتجاع ایران برای مقابله با نهضت علیه کارگر و همهٔ میهن پرستان ایران بکار میبرند . در این شرایط ضرورت انجام کلیهٔ وظیفه‌های دمو کراتیك و میهن پرست امکان‌پذیر است . تأمین وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقهٔ کارگر که از اصل ضرورت وحدت سازمانی و رهبری حزب طبقه کارگر در کشور کاملاً قانع میگردد گام مهمی است که در این راه برداشته شده است و برای آینده طبقه کارگر و همه مردم ایران اهمیت عظیمی دارد .

بقیه در صفحه ۴

مرتجعین تامیده شد . علت این وجه تسمیه موقعیت جغرافیائی ستو در زنجیر بلوك های نظامی امپریالیستی است که حلقه وسط را در میان بلوك های ناتو و سیتو تشکیل میدهد .

انقلاب عراق وحدت رژیم شاه را از جنبش نجاتبخش خلق شدت داد . بطوریکه میدانیم و مطبوعات خارجی هم بارها نوشته‌اند قرار داد مربوط به تشکیل ستو تحاری یك ماده سری است که اعضاء پیمان و از مبارزه علیه جنبشهای آزادیخش ملی در خاور میانه و نزدیك موظف میسازد . در پروتکل سری پیوست این قرارداد تصریح شده است که هر کشور غیرعضو پیمان موظف است در شرایط امنیتی خاك خود و فرودگاههای خود را در اختیار سایر کشور های عضو پیمان بگذارد .

«دکترین ایزنهاور» و قرارداد دوجانبه با امریکا

قبل از انقلاب عراق یعنی در ۲۰ مارس سال ۱۹۵۷ «دکترین ایزنهاور» بدنبال تجاوز امریکا به لبنان ، اعلام شده بود . رژیم شاه از زمان نخست وزیری علاء بلافاصله این دکترین را تأیید کرد . هدف این دکترین عبارت بود از برقراری تسلط بیشتر امریکا بر کشورهای خاور نزدیك و میانه به بهانه «تحکیم استقلال ملی و دفاع از تمامیت ارضی آنها» در قبال خطر هوهوم کمونیسم و بطور عمده منع کوب جنبش های روز افزون آزادیبخش ملی در کشور های عربی و کشور های دیگر خاور نزدیك و میانه و پشتیبانی از رژیم‌های ضدملی برای حفظ مواضع غارتگرانهٔ انحصارات نفتی . رژیم شاه با تأیید این دکترین وابستگی نظامی و سیاسی ایران را بامریکا تشدید کرد و برای امریکا این حق را برسمیت شناخت که در هر موقع آنکشور صلاح بداند به بهانه «دفاع» از کشور های خاور نزدیك و میانه نیروهای خود را وارد خاك آنکشورها کند .

ولی پس از اعلان عراق به قبول «دکترین ایزنهاور» و به وجود ماده سری پیشگفته در قرارداد مربوط به ستو توانست وحدت رژیم شاه را تحقیق دهد . بانبهت محدد زمانا تلاش نرسند بر آنجا با توسعه بیش از پیش روابط نظامی و سیاسی خود با امریکا موقعیت خود را مستحکم کند . در زمان نخست وزیری اقبال هنگامیکه با کاری وزیر جنگ دفاع امریکا بتهران آمده بودند مذاکرات برای عقد قرارداد نظامی دوجانبه میان ایران و امریکا آغاز شد . کمی بعد یعنی در اوایل سال ۱۹۵۹ این پیشنهاد دولت ایران مبنا قرارداد دیگری میان ایران و ایالات نیامده یکی دولت شوروی بریاست سیونف معاون وزارت امور خارجه اتحاد شوروی برای عقد قرارداد دوستی و عدم تعرض میان دو کشور آغاز شد ، ولی در بحبوحه این مذاکرات ناگهان دولت اقبال مذاکرات را برهم زد . روز ۱۶ اسفند ۱۳۳۷ قرارداد دوجانبه نظامی دوجانبه با امریکا را در آنکارا امضاء کرد . بموجب این قرارداد امریکا حق دارد با یتاضای دولت ایران در صورت پیش آمد تجاوز منتقیم و یا تجاوز غیر منتقیم ، نیروهای خود را وارد خاك ایران کند . منظور از «تجاوز غیرمستقیم» البته همان اوج جنبش نیروهای ملی و حترقی ایران برای تأمین آزادی و استقلال ملی میهن خویش بود .

هدف رژیم شاه از امضای این قرارداد این بود که ایران و آینده آنرا بیش از پیش با مطالعهٔ غارتگرانه و سیاست تجاوزکارانهٔ امپریالیسم امریکا پیوند جهد و از این راه تحمین بیشتری برای حفظ خود در قبال جنبش روزافزون انقلابی بوجود آورد .

سیستم وابستگی نظامی و سیاسی به بلوك بندیهای تجاوزکار امپریالیستی که با ورود ایران به پیمان بغداد آغاز شده بود در اثر تأمین پیمان ستو و «دکترین ایزنهاور» و سپس با انعقاد قرارداد نظامی دو جانبه تکمیل شد .

مواقب وخیم شرکت در پیمان های تجاوزکار

شرکت دهساله ایران در پیمان ستو و سپس در قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا برای اقتصاد کشور وحیات اجتماعی و سیاسی و وضع توده زحمتکشان ایران عواقب وخیم بار آورده است . در ترتیب هم پیمانی بلوك های امپریالیستی سیاست خارجی ایران نیز بیش از پیش بر پایه تعهدات ناشی از شرکت درپیمان ستو و قرارداد نظامی دوجانبه تنظیم میشود . در اثر این هم پیمانی سال بسال مبالغ بیشتری برای هزینه های نظامی هنگفت اختصاص‌داده میشود و این امر علت اساسی کسری هنگفت بودجه های سالیانه ایران و وخامت روز افزون وضع متزلزل اقتصاد کشور است . حتی مخبر رضا شاه در نطق ۲۸ مرداد خود در سال ۱۳۴۱ مجبور شد اعتراف کند که ایران «۲۸ درصد از بودجه کل مملکتی را خرج ارتش میکند» ولی هزینه های نظامی مستقیم و غیر مستقیم ایران از ۲۸ درصد بمراتب بیشتر است . از سال ۱۳۳۴ که ایران وارد بلوك نظامی شده تا کنون یعنی طی دهسال بطور متوسط هر سال بیش از ۴۰ درصد

بقیه از صفحه ۳

پنجسال از وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران میگذرد

لیبرالیسم و هیئت حاکمه مترجع ایران، مشعر هنهٔ عقاید ایرانیان، از چنین تشکیل وجود دوحزب طبقه کارگر در یک کشور کبیر الساحه مانند ایران، دو حزبی که مارکسیسم - لنینیسم ایدئولوژی مشترک آنها است و اصول سازمانی واحدی دارند: هدف دور و نزدیک آنها یکسان است همچونکه توجیهی میتوانست باشد.

بدین سبب بنظور ایرانی اصل وحدت طبقه کارگر درسراسر کشور مدتها قبل از تشکیل کنفرانس وحدت برای تأمین وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر در ایران بین حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان تبادل نظر بعمل آمد و جلسه مشترومی بتشکیل شد. در تضمین جلسه مشورو نظریات حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان مطرح گردید. این جلسه زمینه برای بسط کوشش درجهت تأمین وحدت فراهم آمد. افراد معدودی که انظریات نادرست مشورو مطرح میکردند مانع بعمل آمد و بدین ترتیب در دومین جلسه مشورو که درشهریور ماه ۱۳۳۸ تشکیل شد اصول وحدت رهبری و سازمانی حزب طبقه کارگر ایران بدست رسید. در این جلسه هیئتهای نمایندگی حزب توده ایران و فرقه دموکرات آذربایجان متن

چه شرایطی کامیاب خواهند شد؟

شود و این درآمد ها در راههای غیر تولیدی مصرف گردد امیدبصورت دولت بدون آنکه بتواند رشته های تولیدی را تنظیم نماید و تنظیمات لازم را میان آنها بوجود آورد، نمیتواند، و در اثر این عوامل اکثریت در جهت رشد اقتصادی باقی گذارد. مثلا دولت میتواند بفیشت مالیاتی و اعتبارات و یا سفارشهای دولتی و غیره رشته های مالی را تسریع و یا رشد بعضی رشته های دیگر را کند نماید بدون آنکه بتواند در میان این رشته ها تناسبات لازم بوجود آورد (پیدایش بازیر گرفت اقتصاد کشور بر آنمال پیش از جنگ و یا ایالات متحده در زمان حاضر و یا تشویق صنایع سبک بزیان صنایع سنگین در ایران — نمونه های اینگونه تأثیر اقتصادی میتوان بیشتر) ولی اگر درآمد های دولت بطور عمده از طریق مؤسسات تولیدی دولت بدست آید و این مؤسسه صرف احداث مؤسسات تولیدی کرده، در اینصورت سهم دولت در تولید ملی افزایش یافته ولذا دولت به تنها عوامل توانست که جهات کلی رشد اقتصاد را تعیین نماید، بلکه قادر خواهد بود بتدریج اقتصاد را تحت برنامه درآورده و تناسبات لازم را در میان رشته های مختلف اولویتی را کاملاً تعیین نماید، یعنی هرقدر دولت دخالت خود را در اقتصاد ملی از طریق سرمایه گذاریهای مستقیم در امور تولیدی توسعه دهد و سهم خود را در تولید ملی افزایش دهد، بهمان نسبت قادر بتأثیر دولت در بخش خصوصی و ارشاد آن و لذا امکان برنامه ریزی در مقیاس تمام کشور بیشتر خواهد بود.

دولت ایران که هم اکنون ۲۵ تا ۳۰ درصد تولیدملی را در دست خود متمرکز کرده است برای تأثیر رشد طبق برنامه تمام اقتصاد کشور امکانات بالقوهٔ وسیعی در اختیار دارد که رژیم کنونی قادر نیست از این امکانات استفاده نماید.

برای آنکه ایران بتواند آهنگ

شرایط — وتناسبات لازم را بطور خاص پیش بینی نماید و عملاً اقتصاد ملی را طبق برنامه ارشاد نماید، باید شرایط عینی لازم برای اینکار فراهم گردد. تقویت و توسعه بخش دولتی و پایان دادن به پراکندگی بخش خصوصی در دو — وشرط ضروری برای برنامه ریزی است.

در شرایط کنونی ایران اینبیانیسم و بورژوازی وابسته بآن (اعم از بازرگانان کمپرادور و صاحبان صنایع مصرفی) مانع عمده در تقویت و توسعه بخش دولتی اقتصاد ایران هستند. تسلط اقتصادی امپریالیسم از طریق نفوذ در صنایع نفتی و سایر رشته‌های تولیدی، تسلط مالی آن از طریق تحمیل وام و اعتبارات، تسلط نظامی از طریق جلب به پیمانهای تجاوز کار و تحمیل حزبه های سنگین نظامی و تسلط فنی از طریق تحمیل کارشناسان و متخصصین باعث میشود که بخش عظیمی از درآمد ملی ایران بخصوص در آن قسمتی که در دست دولت متمرکز است، بوسیله مستقیم وغیرمستقیم بجیب انحصار های امپریالیستی سرازیر شده و قدرت مالی دولت تضعیف گردد. بورژوازی وابسته بخیر بزرگ نیز عقلانیت وابستگی بازار کانی خارجی کشور را طریق توسعه امکان «صدور کالا» و وابستگی مالی و اقتصادی از طریق توسعه امکان «صدور سرمایه» مالی یکسکی و صنعتی بایران بوده وقشر مهمی در سیاست رژیم کنونی و تشدید نفوذ امپریالیسم در سرنوشت اقتصادی کشور دارند. قطع نفوذ انحصار های خارجی و عمل وابسته آنها امکانات عظیمی برای دولت ایران، در امر رشد اقتصاد کشور و بخصوص رشد بخش دولتی بوجودخواهد آورد. با آزاد شدن منابع عظیم در آمد ملی دولت خواهد توانست بخش دولتی را با آهنگ بیسابقه رشد و توسعه داده و وزن دولت را در تولید درآمد ملی بالا ببرد. با تحقق این امر یکی از دو شرط ضروری برای رشد سریع اقتصاد کشور و بکار بستن برنامه های اقتصادی فراهم میگردد.

بدون پایان دادن به پراکندگی بخش خصوصی در نه نیز برنامه ریزی در ایران امکان نخواهد داشت. طبق آمار های رسمی از ۳۷ تا ۴۴ درصد تولید ملی ایران بوسیله کشورزی تأمین میگردد. اگر از بخش خدمات که قسمت اعظم آن تولید کننده نیز نمی نیست صرفنظر کنیم، سهم کشاورزی در تولید ملی به بیش از ۵۵ درصد افزایش خواهد یافت. در دهات ایران در حدود ۳ میلیون خانوار زندگی میکنند. یعنی عملا ۵۵ در صد تولید ملی ایران بوسیله ۳ میلیون واحد بسیار کوچک تولیدی فراهم میگردد. در چنین شرایطی تنظیم برنامه در مقیاس تمام کشور و ارشاد اقتصاد کشاورزی عملا غیر ممکن است، مانند سایر کشورهای در حال تجاوز بطور روستائی، یعنی متمرکز کردن تولید کشاورزی در واحد های بزرگ از شرایط ضروری برنامه ریزی است. اقدام باصلاح ارضی قاطع و کوتاه کردن دست مالکان از ده در اولین گام در این راه است. رفورم نیم بند شاه که منجر بتجزیه طبقاتی و ایجاد کشورهای جدید سرمایه داری در ده خواهد بود سرمین بیاری بود که جلسات این شورا در تهران بر گزار میگردید.

کمیته های دائمی سنتو عبارتند از:

۱ - کمیته اقتصادی: این کمیته بنوبه خود از انواع کمیسیونهای فرعی ترکیب میشود. هدف اساسی آن اینکه امکانات اقتصادی مختلف کشور های عضو را بررسی کند و برنامه ها و پروژه هائی را در زمینه اقتصادی بکشورهای آسیائی عضو پیشنهاد کند، که در درجه اول با مناسبت نظامی کشور های امپریالیستی امریکا و انگلیس مطابقت داشته باشد و بتواند کنترل و تسلط انحصارات امپریالیستی را بر حیات اقتصادی کشور های عضو تأمین کند و بطور کلی به کمک اهرم سنتو و تعهدات ناشی از شرکت در آن نظامی اقتصادی کشور های عضو را به مجرائی سوق دهد، که با مطامع و مقاصد اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیست ها هماهنگ باشد. برای تأمین همین مقاصدات که مثلا مدیر عامل سازمان برنامه ایران غالباً در جلسات کمیته اقتصادی شرکت میکند.

۲ - «شورای عالی» این شورا به امور فنی و کارهای عملی بیشتر رسیدگی میکند.

۳ - مؤسسه علوم الفنی سنتو، وظیفهٔ این مؤسسه تهیه کادر علمی برای سازمانهای مختلف زندگی هر یک از کشورهای عضو میباشد برای بالتان اجلی پیمان یعنی مقامات نظامی امریکا و انگلستان است.

۴ - «کمیته اقتصادی» این کمیته بنوبه خود از انواع کمیسیونهای فرعی ترکیب میشود. هدف اساسی آن اینکه امکانات اقتصادی مختلف کشور های عضو را بررسی کند و برنامه ها و پروژه هائی را در زمینه اقتصادی بکشورهای آسیائی عضو پیشنهاد کند، که در درجه اول با مناسبت نظامی کشور های امپریالیستی امریکا و انگلیس مطابقت داشته باشد و بتواند کنترل و تسلط انحصارات امپریالیستی را بر حیات اقتصادی کشور های عضو تأمین کند و بطور کلی به کمک اهرم سنتو و تعهدات ناشی از شرکت در آن نظامی اقتصادی کشور های عضو را به مجرائی سوق دهد، که با مطامع و مقاصد اقتصادی، سیاسی و نظامی امپریالیست ها هماهنگ باشد. برای تأمین همین مقاصدات که مثلا مدیر عامل سازمان برنامه ایران غالباً در جلسات کمیته اقتصادی شرکت میکند.

۵ - «شورای عالی» این شورا به امور فنی و کارهای عملی بیشتر رسیدگی میکند.

۶ - مؤسسه علوم الفنی سنتو، وظیفهٔ این مؤسسه تهیه کادر علمی برای سازمانهای نظامی سنتو در زمینه‌های کشاورزی، پزشکی و غیره است. مؤسسه مزبور کلاسهای آموزشی مخصوصی دارد که اتباع کشورهای عضو با توسعه مقامات عالی سنتو میتوانند در آنها دوره های آموزشی را بگذرانند.

۷ - «دبیرخانه دائمی سنتو» که کمیته‌ها و کمیسیونهای سنتو زیر نظر دبیرخانه دائمی هستند. مقر این دبیرخانه پس از انقلاب عراق از بغداد بانکارا انتقال یافت. دبیر کل پیمان سنتو از سال ۱۹۶۲ تا کنون هاسلمل خلبری از مأموران مورد اعتماد مقامات کشور های امپریالیستی است.

وسائل ارتباط و مخابرات پیمان سنتو

۱ - ارتباط زمینی پیمان سنتو با سایر خطوط زنجیر وار کهای امپریالیستی یعنی بلوک ناتو در آتلانتیک شمالی و بلوک سنتو در جنوب خاوری آسیا بطریق زیر تأمین میشود: از طریق راه آهن ترکستان ایران که توسط قطعه راه آهن تبریز - قطور به ترکیه وصل میشود. این قطعه راه آهن که ساختمان آن برای ایران تمایل‌ها دلار خرج نمیدارد تا سال ۱۹۶۷ خاتمه خواهد یافت. بموجب پروژهٔ پیمان قرار است بین راه آهن ایران به راه آهن پاکستان وصل شود. در اطلاعیه

بقیه از صفحه ۸

رویداد ها و تفسیر ها

می کنند، از طرف دیگر منافع دول امپریالیستی را مجاز عمل کرده و آنها را نیز به چاره جوئی وادار مینماید.

باقی ماند یکی از هواداران حزب کمونیست انگلستان ضمن نشاره به شکست اینگونه «کمات» ها می نویسد: «در اثر این عوامل اکنون دارد لحظه‌ای میرسد که تمام کشتی «نوسه‌ه» و کمات» از این تمایل یکطرفی به کار بیفتند، زیرا کشور های غیر استقلال در موارد بسیاری هم اکنون به خودداری از قبول طرحهای بمبدی، کمات، پرداخته اند و دلیلشان هم اینستکه وضع مالی آنها بعد اعلای دشواری رسیده و دیگرنمیتوانند به کرفتن پول اعتاقی وام بپردازند.»

رادیو یک ایران

همه روزه، در ساعات ۶ و ۸ بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۹۰ - ۲۵ - ۲۶ متر برنامه پخش میکند.

شنیدن مرتب این رادیو وظیفهٔ هر فرد وطنی و هر میهن پرست ایرانی است.

شماره ۳ (۱۰) نشریه «مسائل بین المللی»

بزودی از چاپ خارج میشود. این شماره‌ها دارای سلسله مقالاتیست درباره کشورهای خاور نزدیک و از جمله درباره «وضع کنونی ودورنمای آینده ایران». از مقالات جالب دیگر این شماره مقاله ای است درباره «تکامل افکار اقتصادی مارکسیستی جلاق». مقاله ای «درباره اتحاد کمونیستها و کاتولیکها» و غیره.

اقتصاد متمرکز روستائی از طریق قطع قوهٔ مالکان شرط اساسی ایجاد اقتصاد مبتنی بر برنامه در ایرانست. رژیم موجود مظهر منافع این عوامل عمده عقب ماندگی اقتصاد ایران است، و مبارزه با این رژیم بمعنای مبارزه با قوهٔ این عوامل میباشد.

مسعود

وجود دو کشور آلمان یک واقعیت غیر قابل انکار است

اکنون هر دو ویژگی قدیم آلمان دو کشور وجود دارد که ارتباط ساختمان اقتصادی - اجتماعی مشابه سیاسی ماهیتاً باهم تفاوت دارند. جمهوری دموکراتیک آلمان کشور مستقلی است که مرکز آن با پایتای فاشیسم آلمان باقی نیست. در این کشور پرای نخستین بار در تاریخ آلمان یک حکومت کارگری - دهقانی بوجود آمده و برای همیشه بحکومت صاحبان صنایع بزرگ، بنکوها و سرمایه‌داران پایان داده است. در طول ۱۵ سال جمهوری دموکراتیک آلمان یکسلسله‌های بزرگ تاریخی نائل آمده است. امروز جمهوری دموکراتیک آلمان در تمام یک از ده کشور بزرگ صنعتی جهان قلمداد شده است. در جمهوری دموکراتیک آلمان تمام رشته های اساسی صنایع بملکیت دولت درآمده است. و تولید و توزیع صنعتی به براساس تأمین حداکثر منافع برای سرمایه‌داران، بلکه بمنظور تأمین حداکثر ارزانی‌های مردم عملی میشود. در این کشور یک رفرم وادیکال ارضی به استفاده تاکنون برای همیشه پایان داده است. کشاورزی جمهوری دموکراتیک آلمان طی مدت کوتاهی بوسیله مکانیزاسیون و مکانیزاسیون را بسرعت طی کرده است. بطوریکه امروز در اغلب نقاط این کشور ارتشیوه وادوات کشاورزی قدیم اثری نمانده است.

در زمینه خارجی جمهوری دموکراتیک آلمان، از یک سیاست کاملاً صلح‌آمیز و مسالمت‌آمیز پیروی میکند. کوشش بمنظور تأمین صلح جهان، بسط مناسبات دوستانه با تمام کشورها و مردم به اول کشور هی همسایه‌اش می‌باشد بمنظور ایجاد اعتماد و اطمینان طی و کشورهای جوان استقلال، فراتر هدفهای سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک آلمان قرارداده. جمهوری دموکراتیک آلمان امروز بخشی از عالم کشور ملیت‌های اقتصادی و بازرگانی دارد و بوسیله این مناسبات روز بروز افزوده میشود. در سیاری از کشور های نوستقلال آسیا، افریقا و امریکای لاتین امروز کار شناسان و مهندسین جمهوری دموکراتیک آلمان، در محیط دوستی و تفاهم متقابل باجرای نقشه های عمرانی و صنعتی مشغولند.

در جمهوری فدرال آلمان جریان بکلی صورت دیگری دارد. این جهان آلمان وبلهام و خواست امریکا و انگلیسی آنرا، به باجمعها به اختلاف صادق آنها هستند. در جمهوری فدرال آلمان، صاحبان صنایع بزرگ و انحصارات سرمایه‌داری حکومت را بدست دارند.

بقیه از صفحه ۱

مسئله آلمان — یک مسئله غامض بین المللی

دولت ایران باید جمهوری دموکراتیک آلمان را برسمیت بشناسد

در این کشور حتی یک رفرم وادیکال بمنظور تغییر ساختمان اقتصادی - اجتماعی کشور عمل نیامده است. سیاست داخلی جمهوری فدرال آلمان سیاست بحران، تحریک، دعوای ارضی، بدست آوردن بازار فروش تولیدات صنعتی و تأمین مواد خام است. جمهوری فدرال آلمان دشمن تهیدستی آزادیخواهی ملی و دوست رژیمهای استبدادی و جنگ طلب است. امریکا، سازمان جنگ‌طلبان، دلاران ویتنام جنوبی و کره جنوبی، افرادی نظیر موسی چوبه دوستان جمهوری فدرال و خانهای کشورهای امریکا آسیا، افریقا و امریکای لاتین دشمنان آن هستند.

حل مسئله آلمان چگونه ممکن است

حل مسئله آلمان فقط یک طریق داده و آن قبول موجودیت جمهوری دموکراتیک آلمان و تعبیرات دیگر قبول وجود دو کشور در سرزمین قدیم آلمان است. علاوه براین باید شرایط برای غربی نیز که در قلب جمهوری دموکراتیک آلمان قرار دارد بحوال یک واحد جدا گانه تعیین شود. جمهوری دموکراتیک آلمان، قصد تعرض بجمهوری فدرال آلمان ندارد و مایل آماده است که هرگونه عقده بحوزه‌کارانه مسائل حاکمه آلمان غربی را مرعی کند. جمهوری دموکراتیک آلمان صمیمانه خواهان تجدید وحدت آلمان است. ولی بمقدمت که تجدید وحدت فقط بوسیله‌ی مسالمت آمیز باهم‌افزایی شخصیات اقتصادی وسیاسی ملت‌پذیر است.

که در ساختمان اقتصادی - اجتماعی آلمان غربی تغییرات اساسی بوجود آید و زمینه ارکانهای این امر فراهم شود. کارگران و دهقانان جمهوری دموکراتیک آلمان حاضر به از دست دادن دستاوردهای بی خویش نیستند. وحدت وحدت فقط در صورتی بنفع ملت آلمان و بنفع جهانست که یک آلمان کارگرها و سلمونست بوجود آید. و گرنه تجدید وحدت مفهومی جز تجدید ماجراهای دوران گذشته ندارد. جمهوری دموکراتیک آلمان، در عین حال معتقدست که مبارزه برای تغییر ساختمان اقتصادی - اجتماعی جمهوری فدرال، ابداً ملی مردم این کشورست. وتا وقتیکه این تغییر عملی نشده است دموکتور فیوداتیه براساس اصل همزیستی مسالمت آمیز باهم‌افزایی شخصیات اقتصادی وسیاسی دشمنی‌شده‌اند.

برلن غربی، قرحه سرطانی اروپا

برلن غربی اندرلنه یک قرحه سرطانی در اروپا است. در این شهر بیش از هفتاد سازمان جاسوسی و خرابکاری وجود دارد که شب و روز علیه امنیت جمهوری دموکراتیک آلمان و سایر کشور های سوسیالیستی مشغول فعالیت‌اند. حوادثی که هر روز در مرز های جمهوری دموکراتیک آلمان بوجود میآید، و در مطبوعات غربی با آب و تاب تمام نقل میشود، عموماً محصول فعالیت این سازمانهاست. در برلن غربی قریب به هزار شریاد امریکائی و چند هزار شریاد انگلیسی و فرانسوی وجود دارند. وظیفه این واحد های نظامی حفظ این سازمانهای تخریب و جاسوسی و تقویت توطئه و تحریک علیه جمهوری دموکراتیک آلمان و دیگر کشور های سوسیالیستی است.

در بخش سرقت آپیه تمام تمامی دو سیستم اجتماعی - اقتصادی ماهیتاً متفاوتی است که در دو بخش آلمان وجود دارد. آلبرت اورمن، عضو پولیت بوروی کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان در یک مذاکره مطبوعاتی اخیراً گفت: «اکنون سرگرم تهیه برنامه اقتصادی سال ۱۹۶۶ خود هستیم. برای ما وقتی برای توطئه و تحریک وجود ندارد، ولی آماده ایم که در لحظه توطئه و تحریک کسانی را که وقت خود را صرف آن میکنند درهم بشکنیم.»

در کشورهای سرمایه‌داری غرب، «تاکنون» مدتهاست، «تراوش» در بلوه، دیوار برلن، توطئه شده است. ولی دیوار برلن در حقیقت چیزی جز حفاظتجانب نابذیر دربرابر تحریکات فاشیستی و میلیتاریستی آلمان غربی نیست. اگر این تعرض وجود نداشت، دیوار برلن هم لحظه بوجود نمیآمد و هرلحظه نیز که نظر این تعرض متنفی شود، بدون تردید از دیوار برلن اثری برجای نخواهد ماند.

سیاست رژیم شاه درقبال دو کشور آلمان

رژیم شاه بنا بماهیت خود هوا دار آلمان غربی و محافل حاکمه آنست. آلمان غربی امروز بعنوان بزرگی از بازار ایران را در تصرف دارد. انحصارات آلمان غربی روز بروز دامنه تسلط خود را بوسایلهای اقتصادی کشور ما بسط میدهند. در همانحال رژیم شاه وجودجمهوری دموکراتیک آلمان را بمکوست وتاکنون حتی مناسبات اقتصادی رسمی هم میان دو کشور بوجود نیامده است. بسیاری از کشور های آسیا و افریقا با جمهوری دمکراتیک آلمان مناسبات کنسولی و اقتصادی رسمی دارند. جمهوری متحده عرب، سوریه، عراق، افغانستان در زمره این کشورها هستند. این روابط بنفع این کشور هاست و بهمین دلیل در حال بسط و تحکیم است.

حزب توده ایران معتقدست که منافع اقتصادی و سیاسی آلمان دو کشور دموکراتیک آلمان از طرف دولت ایران برسمیت شناخته شود و مناسبات وسیع اقتصادی وبازرگانی میان دو کشور برقرار گردد. جمهوری دموکراتیک آلمان یک قدرت بزرگ اقتصادی

بقیه در صفحه ۷

بقیه از صفحه ۳

کلیه زندانیان و نفو تعقیب از کلیه متهمین سیاسی بگذرند. چنین است نکات اصلی تلگرامها.

حزب ما بنوبه خود ازاقدام ایرانیان ملیم کشور های سوسیالیستی پشتیبانی میکند و خواستهای آنها را مورد تأیید قرار میدهد. تردیدی نیست که ملت ایران، و مترقیترین آنها حزب توده ایران با توجه بسیاری تاریخی خود مبارزه خویش، از دوستم زمینها، هم برای وادار کردن رژیم کنونی بعقب نشینی و هم برای استقرار یک حکومت ملی و دموکراتیک ادامه خواهد داد و پیروزی خواهد رسید.

سفر شاه باتحاد شوروی

ج - آذربایجانی اعتراض، در قانون اساسی ایران اکنون مراعات کرده و باجزایر ملی و دموکراتیک و اجتماعیه های واقعی آزادی عمل داشته باشند.

۵ - به مهاجرین ایرانی که برای آنها بسبب افکار سیاسی شان امکان بازگشت یکطرفه نیست کمترنه داده شود و مراجعت آنها و اسایت آنها در میان خود تضمین گردد.

۶ - قانونی از مجلسین دائرنامه عفو عمومی

تومان لایحه‌ی مختصر روزنامه امریکائی «نیویورک هرالد تریبون» در آستانه تشکیل این دوره اجلاسیه ضمن تصریح وضع بحرانی پیمان سنتو نوشت: «این پیمان که مورد پشتیبانی ایالات متحده است، ... رکطرفش رفته رفته دارد ترک میدارد و طرف دیگرش از هم فرومیاشد».

محمد رضا شاه برای توجیه سیاست خائنانه شرکت دادن هرچه بیشتر امپریالیستها در حفظ رژیم چند ملی خود همواره سعی دارد از کوشه ای خطری متوجه ایران جلوه دهد و ایران را آماج «فعالیتهای تخریبی» «از بخارج» وانمود سازد. سالهای متمادی چنین این شعار موهوم را از جانب اتحاد شوروی جلوه گر میساخت. ولی سیر حوادث و اقدامات قهرمانی اتحاد شوروی این بهانه‌ها را برغم وی از دستش خارج کرد و کار استیناد باین بهانه برای توجیه شرکت در بلوک پندهای تجاوزکارانه رفته رفته باشکال کشید. کاهش تشنج اوضاع جهان، رفع بعد بلاهای جنگ‌طلبانه‌ای جنگ‌طلبان نابذیر اتحاد شوروی انجام گرفت از یکسو و تشدید تضاد های میان دول امپریالیستی از سوی دیگر اسرولا پایه‌های اساسی مجموعه سیاست امپریالیستی مبتنی بر پیمانهای تجاوزکار ناتو، سنتو و بغداد متزلزل گردیدند زیرا امروز دیگر نمیتوان آنها محدود شاه بلکه ارباب امپریالیست او هم نمیتوانند برای توجیه بلوکهای نظامی متجاوزکار بوجود خطر «تجاوز» از جانب اتحاد شوروی استناد کنند. از سوی دیگر فرانسه در بلوک ناتو با اعلام امتناع از شرکت در جلسات و در مانورهای ناتو این بلوک تجاوزکار را دچار بحران کرده است. همین دو عامل اساسی یعنی اخبار مخالف امپریالیستی به اعتراف در مورد ماهیت مخصوصاً اتحاد شوروی و تزیر وجود تضادهای شدید میان دول امپریالیستی پیمان سنتو را نیز به بحران حاد دچار نموده است. در این اوضاع و احوال پاکستان سرگرم روابط خود با چین و کشمکش با هند بر سر کشمیر است. ترکیه از یکسو نگران اوضاع قبرس است از سوی دیگر بعلت شرکت در بلوک ناتو عملاً نمیتواند نیروی قابل ملاحظه ای در اختیار سنتو بگذارد. در این میان محمد رضا شاه در پیمان سنتو یک نوع قدرت علاج ناپذیر دچار شده است. با این وصف دولتی که دیروز دوره اجلاسیه شورای وزیران سنتو نشان داد هم امپریالیستهای امریکا و انگلیس و هم محمد رضا شاه با تمام قوا میکوشیدند سنتو را با توسل به هیچ موهوم «تهدید

نهائی پایان مذاکرات سیزدهمین جلسه شورای وزیران سنتو گفته شده است، «راه آهن ترکیه برای اتصال به خط آهن ایران در مشرق ترکیه امتداد داده شده و مورد استفاده قرار گرفته است».

۲ - ایستگاههای موج کوتاه رادیوئی با شبکه که وسیله مخابراتی بسیار مهمی پیمان سنتو است. در اعلامیه نهائی پایان مذاکرات سنتو در این باره چنین گفته میشود: «شبکه رادیوئی میکرو ویو، که بین ترکیه، پاکستان و ایران ارتباط برقرار خواهد کرد در دست آزمایش است. بزودی برای بهره برداری تحویل دول این کشورها خواهد گردید. شبکه رادیوئی فرکانس قوی، برای ارتباط بین لندن و باتمت ممالک منطقه در آخرین مراحل ساختمانی بوده در تابستان پایان خواهد رسید». این شبکه رادیوئی در سراسر منطقه سنتو بطول تقریباً ۲۰۰۰ میل میان کراچی - تهران - آنکارا کشیده شده است. شبکه میکرو ویو در سه بخش بامیزده ۸۸ ایستگاه دارد. که در حدود ۱۴۰ ایستگاه آن بطور عمده با هزینه ایران در خاک کشور ما احداث میشود. چنانکه این از هر کیلومتر ایستگاههای آن در میدان سه ساخته شده. ایران بابت اجرای طرح این شبکه قریب

یک میلیارد ریال، از بودجه خود میپردازد. اکنون از ۱۲۰ رشته تلفنی و تلگرافی این شبکه برای برقراری ارتباط میان سه پایتخت استفاده میشود و تا یکسال دیگر تعداد رشته های آن به ۳۰۰ خواهد رسید و چندین رشته ارتباط سنتو با دو بلوک ناتو و سیتو تأمین خواهد شد.

۳ - ارتباط دریائی پیمان سنتو با مراکز دریائی دو بلوک نظامی امپریالیستی بوسیله دو گاههای ۳ کشور عضو تأمین میگردد. علاوه بر این پایگاههای شناور امریکائی سنتو، ناوگان ششم امریکا در مدیترانه و ناوگان هفتم آن در جنوب شرقی آسیا میچرخد. زیردریائیهای حامل موشکهای اتمی آزمایشی هم ارتباط دریائی کشورهای امپریالیستی با کشورهای عضو سنتو هستند. در ایران برای این ارتباط دو بندر خارک و بندر عباس بندر عامیزه و خوشهر و بندر استفاده میشود.

[illegible]

شرکت دو شرکتهای نفتی امپریالیستی

۱۰ - سیزدهمین دوره اجلاسیه پیمان سنتو که در فروردین پارسال جاری در تهران تشکیل شد بار دیگر پیمان سنتو را که از کیون پیمان سنتو را قرار آرزو پیمان بازدی از شرکاء ساخته

وجود دو کشور آلمان یک واقعیت غیر قابل انکار است !!

اکنون در سرزمین قدیم آلمان دو کشور وجود دارد که از لحاظ ساختمان اقتصادی ، اجتماعی وعقیدهای سیاسی ماهیتاً باهم تفاوت دارند. جمهوری دموکراتیک آلمان کشور سنگلی است که مرکز آن بنایای قدیم آلمانی بنا نیست . در این کشور برای نخستین بار در تاریخ آلمان یک حکومت کارگری ، دهقانی بوجود آمده و برای همیشه بحکومت صاحبان صنایع وبرگ ۱۵ سال جمهوری دموکراتیک آلمان یکپایهای بزرگ تاریخی نظر آمده است . امروز جمهوری دموکراتیک آلمان در مدار بکس از دو کشور بزرگ صنعتی جهان است . در جمهوری دموکراتیک آلمان تمام زمینه های اساسی صنایع بملکیت مردم درآمده است و تولید و توزیع محصولات به برنامهای ملی بدست حداکثر منافع برای سرمایه‌داران ، بلکه بمنظور تأمین حداکثر ایده‌های مردم عملی میشود . در این کشور یک رفرم رادیکال ارضی به شعار دهقانان برای همیشه پایان داده است. کشاورزی به‌دوری در جمهوری دموکراتیک آلمان علی شده کوتاهی بروسه مدیرانه‌ایست و مکانیزاسیون را بیشترین علی کرده است . بطوریکه امروز در اغلب نقاط این کشور ازشیوه واوزات کشاورزی قدیم اثری باقی نیست.

در زمینه عمرانی جمهوری دموکراتیک آلمان از ابتدای سیاست کاملا مترقی وصلح‌دوستانه پیروی میکند . گوشهای بزرگ از ویرانی صلح جهان ، بسط مناسبات دوستانه با تمام کشورها و مردمها بکل کشور ، بنای همسایه کمک برشالوده بنای همه‌جنبه‌های اجتماعی ملی و کشورهای جوان استقلال ، فرمانی همه‌های سیاست عمرانی جمهوری دموکراتیک آلمان قرار دارد . جمهوری دموکراتیک آلمان امروز بدلیل از بیانه کشور مناسبات اقتصادی و بازرگانی دارد و برنامه این مناسبات روز بروز افزوده میشود . در سیاری از کشورهای نواستقلال آسیا و افریقا ، و امریکای لاتین امروز کار شناسان و مهندسین جمهوری دموکراتیک آلمان ، دوشوشه درسی و تعلیم مقابل با برای تعلیم عمرانی و صنعتی مشغولند .

در جمهوری فدرال آلمان جریان بکسی صورت دیگری دارد . باین معنی آلمان ، ولهام و هوهاست . گرولیدگان آنرا ، به‌اصطلاح با اعلام ، صاحبان آنها هستند در جمهوری فدرال آلمان صاحبان صنایع بزرگ و انحصارات سرمایه‌داری حکومت را بدست دارند .

نهائی پایان مذاکرات بیرمین جلسه شورای وزیران ستو گفته شده است ، « راه آهن ترکیه برای اتصال به خط آهن ایران در مشرق ترکیه امتداد داده شده و مورد استفاده قرار گرفته است » .

۲ - ایستگاههای موج کوتاه رادیوئی با شبکه که روله رسیله مخابراتی بسیار مهم پیمان ستو است . در اعلامیه پیمانی پایان مذاکرات ستو در این باره گفته میشود ، « شبکه رادیوئی میکرو فرکانس که بین ترکیه ، پاکستان و ایران ارتباط برقرار خواهد کرد در دست آزمایش است . بزودی برای بهره برداری تحویل دولا این کشورها میگردد. شبکه رادیوئی فرکانس قوی برای ارتباط بین لندن و پایتخت ممالک منطقه در آخرین مراحل ساختمان بوده ، و در تابستان پایان خواهد رسید » . این شبکه رادیوئی دو سرا در منطقه ستو بطول تقریبا ۲۰۰۰ میل میان کراچی ، تهران ، انکارا گسترده شده است . شبکه مزبور در سه کشور بامیزان ۸۸ ایستگاه دارد که در سنوی ۴۰ ایستگاه آن بطور عمده با هزینه ایران در خاک کشور ما احداث میشود . همانطوری اکنون دو ایستگاههای ایستگاههای آن به ساخت شده . ایران با این ابتدای طرح این شبکه قریب

بقیه از صفحه ۱

مسئله آلمان — یک مسئله غامض بین المللی

دولت ایران باید جمهوری دموکراتیک آلمان را برسمیت بشناسد

در این کشور حتی یک رقم و دیگال بمنظور تغییر ساختمان اجتماعی کشور بعمل نیامده است. سیاست داخلی جمهوری فدرال آلمان سیاست بحران ، دعوی ارضی ، بدست آوردن بازار فروش تولیدات صنعتی و تأمین مواد خام است . جمهوری فدرال آلمان دشمن تهیه‌های آزادیخش ملی و دوست فرمانهای استعماری و جنگ ملی است . فرانکو ، سالازار ، چیانگ‌کای‌شک ، دژهیمان ودیام جنوبی و کره جنوبی ، افراد نظیر بوس چوبه دوستان جمهوری فدرال و قاتلهای کشورهای شریر آسیا ، افریقا و امریکای لاتین دشمنان آن هستند .

حل مسئله آلمان چگونه ممکن است

حل مسئله آلمان فقط یک طریق داده و آنت قبول موجودیت جمهوری دموکراتیک آلمان و بعبارت دیگر قبول وجود دو کشور در سرزمین قدیم آلمان است . علاوه براین باید دشوارشدن برلن غربی شرا که در قلب جمهوری دموکراتیک آلمان قرار دارد بعنوان یک واحد جداگانه تعیین شود . جمهوری دموکراتیک آلمان ، قسمت غربی جمهوری فدرال آلمان ، اداره مقابلا آماده است که درکوته تعیین تجاوزکارانه مسائل حاکمه آلمان غربی را برهم شکند . جمهوری دموکراتیک آلمان صمیمانه خواهان تجدید وحدت آلمان است . ولو وحدت که تجدید وحدت فقط درصورتی ممکن است که کلیه نیروهای دموکراتیک آلمان ، بدون استثنا ، بکوشند تا بدون تردید بر علیه تجاوزکاران آلمان غربی ، بدون تردید بر علیه تجاوزکاران آلمان غربی ، بدون تردید بر علیه تجاوزکاران آلمان غربی ،

بمناسبت سالگرد تشکیل حکومت خیابانی در تبریز

سخنان یك انقلابی و متفکر برجسته

شیخ محمد خیابانی، انقلابی، خطیب و متفکر برجسته اجتماعی قیام تبریز را تحت شعار تأمین حکومت ملی و دموکراتیك برای ایران علیه استعمار طلبان و حکومت مرتجع مرکزی برپای داشت. قیام در شهریورماه ۱۲۹۹ با عمل قبیح پیشوای آن سرکوب شد. ولی تشکیل حکمه سعدالدوله‌ای پر شور و پر مغز خیابانی نه فقط در آذربایجان، بلکه در سراسر ایران بوجود آورده بود. اثرات عمیق آن تا دیروز مشهود داشت. اعتقادی خیابانی در طی قیام مجموعه ای از بیانات حکیمانه و شور انگیز یك انقلابی پاك سرشت پاینا و مؤمن به راه و هدف خویش و بخشی از گنجینه ارزش آثار تفکر معرفی و انقلابی مردم ماست. ما جملاتی چند از بیانات خیابانی را بمناسبت سالگرد حکومت وی در اینجا نقل میکنیم.

هدف قیام تبریز

قیام تبریز برای تأسیس یك حکومت دموکراتیك و آزادی است ... قیام تبریز یك علاقه جوهری با تمام شهرها و نقاط ایران دارد ... قیام تبریز مدل خواهد داشت که در ایران یك افکار عمومی و یك ارادهٔ ملی وجود دارد.

موطن آزادیخواهان

کاوه ها و امثال بزرگ و کوچك کاوه ها از شرق و غرب و شمال و جنوب ایران سر زدند. سرایای ایران موطن مقدس آزادیخواهان است.

فرزندان قرن

ما میگوئیم، عدالت، مساوات، آزادی. بر یك فراز مختص و مفید. ما خیلیخواهیم فرزندان قرن خودمان باشیم.

ایران از آن ایرانی است

در مسلك ما ایران مال ایرانیان است. یعنی ایران دموکراتیك مال دموکراسی ایران است.

منشاء افکار بزرگ

افکار بزرگ از قلبهای بزرگ صادر میشود و بس.

متابعهٔ زمان

در اطراف حادثات و افکار سیاسی زمان یك چارچوبه را تشکیل میدهد که بگانه شارح و مفسر راستگوی آن حادثه و افکار است و اگر آنها را از میان آن چارچوب مخصوص بیرون بیاوریم دیگر آن معنی اولی و حقیقی خودشان را دارا نخواهند بود.

نقش تجربه

هیچ علم و معرفتی متصور نیست که از تجربه استفاده نکرده باشد. بدون تجربه و آزمایش علم بی ثمر و اثر میماند. تفاوت قرن حاضر با قرون قدیمه عبارت از این است که در قدیم خیال و موهومات بسیار رواج داشت و اکنون تجربه است که ماهیت علوم را فوراً با عملیات مادی آشکار میسازد.

یك ملت از تجارب ملل دیگر میتواند استفاده نمود.

سیر بشریت

سیر عمومی جهان بشریت بجانب آزادی است. هر ملت و جماعتی باید بیاندیشد که در این وضعیت چه خط حرکت را اتخاذنماید. آیا باید با جریان به خیال صدمت و مخالفت افتاده مانند یك ذرهٔ بیمقدار از میان برداشته و مضمحل شود، یا اینکه در استقامت طبیعی آن جریان براه افتاده و وارد سرمنزل مقصود شود.

مرکزیت و تشکیلات

هرگاه موفقیت و کامیابی مطلوب است، هرگاه خواسته شود که اقدامات و عملیات شروع شده با یك جریان صحیح منجر بنتایج مفیده شوند، باید در کلیه امور یك نوع مرکزیت را در نظر گرفته طوری کار کرد که مساعی متفرقه، جمعاً در گرد یك اساس مشترك تمرکز پیدا نماید. با این ترتیب و روبه یك اقتصاد و صرفه جوئی بزرگ که در همه چیز منظور گشته از منابع شیئی مجاهدات متفرد و جداگانه جلوگیری بعمل خواهد آمد. انتظام و صحت تشکیلات یك فرقه میتواند یك دلیل کافی تشکیل بدهد بر اینکه همان فرقه قادر است همان انتظام را حتی الامکان در مملکت نیز بوجود بیاورد.

تیری از خودانديشی

درمواقع مهمه باید مسائل عادی را فراموش کرد، اساس کار و منافع عموم را در نظر گرفت. از خود اندیشی تیری و اجتناب نمود. باید فقط خیال و اندیشه صلاح عموم را بدل خود راه داد.

حق و غلبه

نیائی که در راه حق فدا میشود، ممکن نیست مغلوب ساخته [illegible]

خطر غرور

غرور و اشتباه که همیشه از نخستین موفقیتها بوجود میآید بزرگترین عامل ضلالت و گمراهی والاخره مؤثرترین علت عدم موفقیت و مغلوبیت است.

غرض‌رانی ونفسانیت

برای اینکه بتوانیم کاری را که بعهده گرفته ایم از پیش ببریم نیاز بصمیمیت داریم. باید غرض‌رانی ونفسانیت را ترك گوئیم.

دو نوع دیپلمات

دیپلمات اجباری، دیپلمات جبر وشدت، زور وفشار پایدار نیست. ولی دیپلمات وجدانی که ارواح را زیر اطاعت می‌آورد فنا ناپذیر و لایموت است.

اتحاد آزادیخواهان

اتحاد آزادیخواهان، علاقه و محبت آنان بهم، ضامن آزادی و استقلال ایران خواهد شد.

بقیه از صفحه ۶

مسئله آلمان

است. کارشناسان جمهوری دموکراتیك آلمان میخواهند درتجدید ساختمان کشور ما نقش مؤثری بعهده گیرند. میان دو ملت ایران و آلمان موازین دوستی طولانی وجود دارد. نمایندگان جمهوری دموکراتیك آلمان میتوانند بمایه مشابهت اوضاعی را که مبتنی بر دوستی حقیقی، همکاری و تعاون مشترك است، بیافزایند. جمهوری دموکراتیك آلمان برخلاف آلمان غربی در کشورما منافع اقتصادی ندارد، قصد بساط نفوذهای اقتصادی و سیاسی ما را ندارد. ما میتوانیم با این کشور بهترین مناسبات دوستانه را داشته باشیم.

د. آذر

تهدید کمونیسم» از خطر تلاش نجات‌دهنده «تهدید کمونیسم» در این دورهٔ انقلابیه نیز مثل سایر دوره های انقلاب شورای وزیران ستو ترجیح بند تمام سخنرانیهای نمایندگان رسمی آن بود. دین راسك در سخنرانی خود گفت: «کشورهای عضو ستو متقاعدشده‌اند که تهدید کمونیسم در خاور میانه واقعیت دارد و یك تهدید دائمه دار و مداوم است». راسك افزود که «مادام که تهدید تجاوز کمونیستها وجود دارد سرسازمان ستو لازم است». مایکل استوارت وزیر خارجهٔ انگلیس گفت: «دولت انگلیس ستو را بهترین عامل برای حفظ ثبات در خاورمیانه میداند». (یعنی در واقع برای حفظ منافع اقتصادی و سیاسی و نظامی انگلستان). عباسقلی خلعتبری وزیر کل ستو نیز ضمن تکرار تلویحی وار دعاوی ایران این مسئله را مطرح کرد که «تهدید قوانینهای کمونیستی» بی اختیار بقیه‌ها ترکیه و برای جلب ترحم حامیان امپریالیستی رژیم شاه زبان بشکایت از برنامه های اغفال‌گرانه رادیوی ملی ایران گشود و گفت: «از این گذشته نیروی تبلیغات سوء وجود دارد و دستگاه های رادیوئی تبلیغی کمونیستی را در خود این منطقه ایجاد کرده است. بنابراین مغرب آنان که در ظاهر افکار عمومی و پیشرفته خود داده میشود منافع ملی، آزادی و تمامیت ارضی ما را تهدید میکند زیرا... از زیر نفوذ کرده و جلو میرود». ولی نمایندگان پاکستان و ترکیه - دو کشور آسیائی عضو پیمان بی اعتنا باین زمینه سازیهای نمایندگان امریکا و انگلیس و ایران هریك بفکر خویش و معضلات خود در کشمیر و قبرس بودند. نمایندهٔ پاکستان در پاسخ این سئوال که آیا پاکستان بسوی بیطرفی میرود گفت آنچه را پاکستان میکند اینستکه روابط دوستانه خود را با کلیهٔ کشورها و بخصوص همسایگان بسط دهد. حسن عزت ایشك وزیر خارجه ترکیه از احتمال شناسائی جمهوری توده ای چین سخن گفت. نمایندهٔ انگلیس نیز پیش از آنکه به استدلالات دین راسك و نمایندهٔ شاه توجه داشته باشد تمام تلاش خود را بکار برد تا از وجود این پیمان برای حفظ منافع خاص خود در خاور میانه و نزدیك واز جمله در عربستان جنوبی و یمن وغیره استفاده کند.

اعلامیه نهائی مذاکرات ستو که روز ۱۹ فروردین در تهران انتشار یافت نشان‌داد که میان اعضاء این پیمان نیز در مسائل بسیار کلی هیچگونه وحدت نظر وعمل وجودندارد. وجود تعارضهای شدید شیرازهٔ این پیمان را از هم میپاشد. در این میان فقط مجدوب شده است که همچنان سیاست اطاعت بی چون وچرا از امریکا و انگلیس را

تعقیب میکند و با تلاشهای مذبوحانهٔ خودبرای حفظ این پیمان - میکوشد دول امپریالیستی را در نزاع مصنوعی اش با دولت جمهوری متحده عربی به پشتیبانی پیش از پیش خود وارد سازد.

پیمان عمران منطقه ای

دیدار نخست‌وزیر ایران از پاکستان و ستو

مذاکرات تابستان سال ۱۳۴۳ در استانبول و عقد پیمان عمران منطقه ای میان سه دولت ترکیه - ایران - پاکستان نشان‌داد که پیمان ستو اعتبار خود را بکلی از دست داده است. اعضای این پیمان باتوجه به تأثیرات منفی هم پیمانی با امپریالیستها در نظر گرفته‌اند بروی سیاست خود پوشش تازه بکشند تا هم تبعیت آشکار خود را از امپریالیسم ستو دارند و هم برای تثبیت وضع اقتصادی و سیاسی خود چاره تازه‌ای بیاندیشند و هم احتمالاً دولتهای امپریالیستی را بر آوردن برخی توقعات خود وادار سازند. از طرف دیگر پیمان عمران منطقه ای را میتوان تلاشی دانست که امپریالیستها بسیت محمدرضا شاه وسازمان برای کشانیدن کشور هائی نظیر عراق و افغانستان و غیره باین پیمان نو ساخته بعمل میآورند.

مردم ایران خواهان اعلامیهٔ بیطرفی مثبت هستند

شرکت ایران در پیمانهای تجاوزکار صرفنظر از عواقب وخیم، گر روابط کشورما را با کشورهای همسایه و اکنون بروسه کشورهای عربی تیره کرده است. شاه بامسافت ضعیفی خود روز بروز افکار جامعه کشورهای عربی را بیشتر علیه ایران برمیانگیزد.

اکنون که پیش از دهسال از شرکت در این پیمانهای امپریالیستی میگذرد برای مردم ایران کاملاً روشن شده است که بر خلاف دعاوی رژیم شاه هم پیمانی با نیروهای امپریالیستی نه تنها به استقلال و حاکمیت ملی ایران کمك نمیکند بلکه این پیمانها خود بزرگترین خطر را برای استقلال و حاکمیت کشور ایجاد کرده است. هر حالی که از شرکت ایران در این پیمانهای شوم بیشتر میگذرد تأثیرات سوء آن در شئون مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور ما شدیدتر میگردد. مهمتر ما بر شاخص عینی در کشور شئون حیاتی نازیسته است ولی سیاست ضد ملی رژیم موجود و شرکت در پیمانهای نظامی تجاوزکار از موانع اساسی در راه تحقق این آرمان ملی است. خروج از این پیمانها و اتخاذ سیاست بیطرفی مثبت دیگر از شرایط اساسی تحقق این آرمان خواهد بود. ملازم متحد و پیگیر در این راه وظیفه و فرضه‌ای هر عنصر وطنخواه است.

«۱۰ بهمن پیکار»

تقویم مردم

۲ تیر ۱۲۸۷

محمد علیشاه بر ضد مجلس شورای ملی و قانون اساسی برخاست. مجلس به توپ بسته شد و جمعی از سران مشروطیت بشهادت رسیدند.

۳ تیر ۱۲۹۹

تشکیل حکومت خیابانی در تبریز.

شیخ محمد خیابانی، انقلابی و متفکر بزرگ که علیه قرارداد اسارت آور ۱۹۱۹ وثوق الدوله قیام کرده بود حکومت خود را در تبریز تشکیل داد. ارتجاع ایران از اشتعالات نهضت خیابانی استفاده کرده و بدان حمله ور گردید. تنهائی که نیروهای ارتجاع در این حمله از خود نشان دادند بیسابقه بود. ملک‌الشعراء بهار در اوراد نفرت به کشتار تبریز شعری سروده است که ترجمه بند آن این است:

گر خون خیابانی مظلوم بجوشد
سر تاسر ایران کفن سرخ بپوشد

۷ تیر ۱۲۸۷

روز آغاز قیام تبریز.

پس از آنکه محمد علیشاه پادشاه مستبد بمجلس شورا را به توپ بست و عده ای از سران مشروطه را بشهادت رساند، شهر تبریز نفر ناشجاعی ستارخان یاغاست، و بعد از یک مقاومت درخشان نیروهای استبدادی را بخاک مالی حوالی تبریز متواری کرد، و پس بهمراه سایر سران و رهبران انقلاب، تهران را گشود.

۱۵ تیر ۱۳۴۶

رفیق شهید بصیر دوران، پس از یک تبعید

واقعیت و مشکله

درباره کمک اتحاد شوروی بجمهوری ویتنام، چنانکه میدانیم مشکلات هائی عرض آورده بودند حاکمین آن‌ایالت کوبا شوروی به تصمیمات بین المللی و انقلابی خود در مورد نهضت رهائی بخش در قاره آمریکا، بویژه در این مورد نهضت رهائی بخش ویتنام ها که عدالت این رهنمود بوده بلیغ بالخصوص مشکلات هائی که عدالت این رهنمود است، از طرف خود این مشکلات بوده است. حق حاکمیت و وظائف و رابطه کشورها در جنگ علیه استعمار، بالخصوص در مورد ویتنام، بوده است. رفیق هوشی مین در مصاحبه خود با مخبر رادیو ۱۹ ژوئن ۱۹۶۵ چنین گفت:

«دولت و مردم ویت نام تشکرات عمیق خود را درباره حرب و دولت و خلق اتحاد شوروی برای همبستگی و کمک آنها در مبارزه آنها ابراز میدارند. ما از مبارزه ما علیه سیاست خود را ابراز میدارند. ما از مبارزه ما علیه سیاست خود را ابراز میدارند. ما از مبارزه ما علیه سیاست خود را